

مقاله پژوهشی

واکاوی عوامل موثر در شکل‌گیری فرهنگ پیشرفت در گفتمان اقتصاد مقاومتی

حسین بهرامی ثابت^۱، احمد آذین^۲، محمد علی چیت ساز^۳

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۳/۱۰

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۲/۲۹

چکیده: تاریخ معاصر ایران شاهد تحولات، برنامه ریزی و اقدامات زیادی در حوزه پیشرفت و توسعه کشور بوده است. توجه و تمرکز بر اصول ساختاری و بنیان‌های فیزیکی، ویژگی‌هایی است که تا حدی مبدل به نمادی از این تصمیمات گردیده است. در این بین خلاء نگاه ویژه به عوامل و گروه‌های موثر در شکل‌گیری فرهنگ منتج به پیشرفت و توسعه قابل توجه است. این پژوهش کیفی با هدف تبیین الگویی بومی، از عوامل و گروه‌های موثر در شکل‌گیری فرهنگ پیشرفت و توسعه بر اساس گفتمان اقتصاد مقاومتی، با روش داده‌بنیاد (GT) و بهره‌مندی از دیدگاه خبرگان حوزه فرهنگ و توسعه عوامل و گروه‌های مذکور را مورد واکاوی قرار داده مدل بومی آنرا تبیین نموده است. نتایج حاصل، مبین آنست که دستیابی به اهداف توسعه‌یابی کشور که مبتنی بر شکل‌گیری فرهنگ متناسب با پیشرفت و توسعه در جامعه است، اساساً نتیجه نهادینه‌سازی این فرهنگ از طریق نهادهای استراتژیک آموزشی، دینی و مدیریتی، درون ساختارهای مرتبط (نهادهای سازمان‌ها) با بکارگیری ابزارهای فرهنگی است، که در غایت امر به تکوین باورها و عقاید، وقایت ارزش‌ها و نگاره‌بندی هنجارهای اجتماعی متناسب با پیشرفت و توسعه می‌انجامد.

واژگان اصلی: جامعه‌پذیری - فرهنگ توسعه - اقتصاد مقاومتی - نهادینه‌سازی.

^۱ دانشجوی سال آخر دکتری جامعه‌شناسی اقتصاد و توسعه دانشگاه آزاد اسلامی واحد دهقان، دهقان ایران
h_bahrami_57@yahoo.com

^۲ دانشیار گروه علوم سیاسی واحد اصفهان (خوراسگان). دانشگاه آزاد اسلامی، اصفهان، ایران (نویسنده
مسئول). dr.ahmadazin96@gmail.com

^۳ استادیار گروه جامعه‌شناسی واحد دهقان. دانشگاه آزاد اسلام، دهقان، ایران mad3175@yahoo.com

مقدمه

مناقشه در چند دهه اخیر که موضوع پیشرفت و توسعه از مباحث مهم و اساسی کشور بوده است و قالباً اقدامات قابل توجهی از سوی متولیان حوزه های مرتبط از جمله سیاستگذاران، برنامه ریزان و خط مشی نگاران صورت گرفته است، معذالک با توجه به مندرجات سند چشم انداز کشور، علیرغم اقدامات مسئولان متولی چه به لحاظ کمی و چه به لحاظ کیفی توازن مسیر رشد و پیشرفت در جامعه صورت مطلوبی به خود نگرفته است. به بیان دیگر توقعات دستیابی به اهداف توسعه ایی آنچنان که باید تامین نشده است. این در حالی است که برنامه ریزی های توسعه ای عمدتاً کانون توجه بروی رشد اقتصادی مبتنی بر توسعه صنعتی قرار داده شده و از این رو عوامل زیر ساختی فرهنگی - اجتماعی پیشرفت و توسعه تا حد قابل توجهی مورد غفلت قرار گرفته است. چه بسا این عوامل توانایی ایجاد توسعه درونزا و مولد را در جامعه داشته باشد و نادیده گرفتن آن، خود مانعی بر سر راه پیشرفت و توسعه مطلوب شود. آنچه از ادبیات پیشرفت و توسعه در ادوار و جوامع مختلف بر می آید، پیشرفت و توسعه نتیجه تنیدگی ابعاد سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی است. بنابراین برای تحلیل، پردازش و آمادگی برای سیاستگذاری و خط مشی گذاری می بایست مجموعه آنها را در نظر گرفت. پیشرفت و توسعه را به دو معنا می توان امری تاریخی تلقی کرد. اولین معنی آن رجوع به گذشته آن دارد، بدین معنی که نمی توان موانع و رویدادهای توسعه در گذشته را بدون در نظر گرفتن ریشه های تاریخی آن واکاوی نمود. دومین معنای آن اقتضایی بودن پیشرفت و توسعه است. از این منظر همواره عوامل زیرساختی حوزه فرهنگ در تعامل با کنشگران اجتماعی بر فرایند توسعه تاثیر می گذارند. پس توسعه تحت تاثیر این دو دسته از عوامل، یعنی عوامل زیرساختی و عوامل وابسته به کنشگران اجتماعی شکل می گیرد. از طرف دیگر مطالعه رویدادهای تاریخی کشورمان بویژه پس از انقلاب اسلامی همواره وجود فشارهایی جهت از هم گسیختگی ارکان سه گانه (اقتصاد، سیاست و فرهنگ) بوده است. و علیرغم تلاش های بعمل آمده، صدمات و آسیب هایی بر تعاملات ارکان مذکور وارد شده است. مشاهدات روزمره ما نیز از نظام اعتقادی و انگیزه های رفتاری انسان ها و تاثیر آن در میزان تلاش و موفقیت افراد و رابطه آن با فرهنگ های مختلف موجود بین آنها، این مسئله را القاء می کند که مجموعه ای از عوامل مربوط به میزان رشد و توسعه در هر جامعه تحت تاثیر نظام اعتقادی، باور، سنت، هنجار و ارزش ها و رفتارهای متأثر از آن می باشد. بنابراین بدیهی است تا زمانی که جامعه از نظر فکری و فرهنگی به مرحله رشد و بالندگی نرسد، دستیابی به اهداف چنین راهبردی دور از ذهن خواهد بود. لذا آنچه در دهه های اخیر در این

خصوص از دید برنامه ریزان و سیاستگذاران مغفول مانده است، تبیین راهکاری است در جهت شناسایی زیرساخت های اجتماعی - فرهنگی لازم است که معطوف به فرهنگ پیشرفت و توسعه خواهد بود، که بخشی از توسعه فرهنگی بشمار می رود. لذا یکی از راهبردهای مهم و اساسی در دستیابی به این هدف بزرگ، راهبرد سیاست های اقتصاد مقاومتی است که در راستای کاهش وابستگی ها و تاکید بروی مزیت های تولید داخل و تلاش بر خودکفایی دارد.

اما در اینجا با نگاهی مدبرانه می توان نتیجه گرفت که کسانی که قائل به تقلیل اقتصاد مقاومتی را به مقاومت اقتصادی هستند به این نکته کمتر واقف بوده اند که پس از برون رفت از بحران های ناشی از تحریم ها و فشار های اقتصادی دیگر اقتصاد مقاومتی کارایی نخواهد داشت و لذا این تلقی از اقتصاد مقاومتی نا تمام است. اساس ویژگی و مقوم دیدگاه اقتصاد مقاومتی بلند مدت بودن آن است. در نهایت تا وقتی نوع دیدگاه کارگزاران، سیاستگزاران، مجریان، متولیان و آحاد مردم، نسبت به اهمیت، اصول و ماهیت اقتصاد مقاومتی اصلاح نشود، سرعت و دقت لازم در دستیابی به اهداف ایجاد نخواهد شد. بنابراین رسیدن به این هدف از مسیر دستیابی به فرهنگ متناسب با پیشرفت و توسعه بعنوان یک ضرورت در دستیابی به اهداف ظهور و بروز می نماید، که برای دستیابی به آن نیازمند تبیین زیرساخت های لازم این حوزه هستیم. با علم به اینکه زیر ساخت های مورد نیاز جهت نیل به اهداف صرفا از مسیر فیزیکی آن محقق نمی شود، اما از این نکته نیز نباید چشم پوشی نمود که دینامیسم این موضوع نیازمند یک مدل فکری است که می بایست متولیان امر با تسلط بر این موضوع به کمک نهادها و سیاستگذاران و محققان آنرا در جامعه استقرار دهند. جامعه ما نیازمند آگاهی و شناخت دقیق از نیازها، زیرساخت ها و ابزارها است تا با تکیه بر آن حرکت موزون خود را تنظیم و ادامه دهد. اهمیت و ضرورت توجه به چنین شناختی در برنامه های توسعه و سیاست های فرهنگی بویژه در حوزه سیاست های پژوهشی به وضوح مشهود است. معمولا پنج ویژگی مهم و اساسی عوامل فرهنگی و اجتماعی مورد توجه قرار نمی گیرد. اول اینکه هر نوع فعالیت در حوزه فرهنگی - اجتماعی کیفی است، دوم اینکه فعالیت ها از جنس ساختاری است، سوم، اگر چه نتایج این فرایندها در دراز مدت حاصل می شود، اما ماندگار و مستمر است، چهارم، این فعالیت ها قابلیت تغییر سرنوشت تاریخی یک جامعه را دارد و پنجم اینکه کنش ها و بینش ها را در جامعه نهادینه می کند. بنابراین پرداختن به اینکه چه ساختاری در حوزه فرهنگی - اجتماعی می تواند بهترین حالت ممکن را برای ارتقاء فرهنگ توسعه و بستر سازی آن، جهت بهره برداری در جامعه و دستاوردهای

بعد از آن فراهم کند، موضوع اصلی این پژوهش بشمار می آید. لذا به نظر می رسد نتایج این تحقیق از یک سو ویژگی های فرهنگی و ارزشی زمینه ساز فرهنگ توسعه را در برنامه های زیرساختی کشور و تحقق اقتصاد مقاومتی به ارمغان آورده و از سوی دیگر پیدایش زمینه های مناسب اجتماعی جامعه را در نهادینه سازی فرهنگ توسعه فراهم نماید. از آنجا که کشور ما از جمله کشورهایی است که تا اندازه قابل توجهی از دو پایگاه نظری بهره مند است که هر دو پایگاه و نهادهای قدرتمند کشور محسوب و هرکدام در ارکان های مهم اداره کشور حضوری فعال و موثر دارند. یکی نهادهای مذهبی است که هم تفکرش در قانون اساسی ما حضور مسلط و هم بعنوان قوایی فرهنگ ساز منشاء اثر است و دیگری پایگاه نظری نظام دانشگاهی است که آن هم در موقعیت های اجرایی مختلف حضور جدی داشته و در فرایندهای تصمیم گیری و اجرا دخیل هستند، که هر دو بدنه اصلی نظریه پردازی و اجرایی ما را شامل می شوند. طبیعتاً هرچه این دو نظام و پایگاه فکری به هم نزدیک تر باشند بازدهی منابع صرف شده در جامعه بیشتر، مشکلات بر سر راه پیشرفت کشور کمتر و روند توسعه کشور شتابان تر خواهد بود. حال اینکه تاثیر کدام پایگاه بر شکل گیری فرهنگ منتج به پیشرفت و توسعه در جامعه نقش برجسته تری دارد؟ و برای نهادینه سازی این فرهنگ چه الزامات و زیرساخت هایی نیاز دارد؟ محقق را بر آن داشت تا عوامل و گروه های موثر فرهنگی - اجتماعی برای ارتقاء سطح فرهنگ توسعه و پیشرفت موثر تر هستند، شناسایی نماید. تحقیق حاضر با طرح چنین مسأله ای سعی دارد تا با ارائه دیدگاه خبرگان گروه های فرهنگی - اجتماعی موثر در فرهنگ سازی پیشرفت و توسعه کشور را شناسایی و عوامل خرد و کلان در استقرار و تثبیت فرهنگ توسعه که منتج به توسعه درونزا و تسهیل در اجرای صحیح اقتصاد مقاومتی در جامعه می شود را تبیین نماید. بر اساس مسأله اصلی، این پژوهش پس از مروری بر ادبیات موضوع و بررسی پیشینه اهم تحقیقات صورت گرفته، با معرفی روش پژوهش، به استخراج الگوی مفهومی عوامل و گروه های موثر در شکل گیری فرهنگ پیشرفت و توسعه می پردازد و در نهایت ضمن جمع بندی به ارائه پیشنهادهایی حول نحوه ادامه پژوهش حاضر، خواهد پرداخت.

اهداف پژوهش:

هدف اصلی پژوهش: واکاوی و تبیین عوامل و گروه های فرهنگی - اجتماعی موثر در

فرهنگ سازی پیشرفت کشور

اهداف فرعی:

- تبیین گروه‌های موثر در فرهنگ‌سازی پیشرفت و توسعه
- تبیین عوامل محوری در شکل‌گیری فرهنگ توسعه
- تبیین راهبرد اجرایی و پیامدهای ناشی از بکارگیری زیرساخت‌های اجتماعی - فرهنگی
- شناسایی میزان اهمیت هر یک از عوامل موثر زیر بر فرایند شکل‌گیری فرهنگ پیشرفت و توسعه کشور

پیشینه پژوهش:

گرچه در حوزه فرهنگ و توسعه مطالعات گوناگونی صورت پذیرفته است لکن مطالعات میدانی دقیق برای شناخت متغیرها، زیرساخت‌ها و کمیت‌های مرتبط با فرهنگ پیشرفت و توسعه که منتج به ارائه مدل مدونی از فرایند صورت نگرفته است اما می‌توان از میان مطالعات و تحقیقاتی که بصورت عام متغیرهای فرهنگ عمومی را در سال‌های اخیر مورد پژوهش قرار داده‌اند، وضعیت کلی متغیرهای فرهنگی موثر بر رشد و توسعه را مورد نظر قرارداد. عناوین زیر مروری اجمالی به سابقه پاره‌ای از زمینه‌های مطالعات جامعه‌شناسی فرهنگی در این زمینه است.

پیشینه داخلی:

خط مشی‌گذاری فرهنگی در ایران (بعد از پیروزی انقلاب اسلامی)

با پیروزی انقلاب اسلامی که اساساً خود را یک انقلاب فرهنگی می‌دانست، این انتظار به وجود آمد که تلاش منسجمی برای علمی‌ساختن جریان خط‌مشی‌گذاری فرهنگی به وجود آید. برای بررسی میزان تحقق این انتظار می‌توان از دو مسیر تکمیلی این موضوع را بررسی نمود. اول مروری بر اسناد و متون مصوب، به عنوان سیاستها و خط‌مشی‌های فرهنگی در بعد از پیروزی انقلاب، به منظور شناسایی خط‌مشی‌هایی که در رابطه با فرهنگ، بویژه فرهنگ توسعه، است که شامل شش متن مکتوب می‌باشند که عبارتند از:

- کلیات فرهنگی مندرج در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران،
- بخش فرهنگ در برنامه اول توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران (۱۳۶۸-۱۳۷۲)،
- اصول سیاستهای فرهنگی جمهوری اسلامی ایران (مصوب ۱۳۷۱)،
- بخش فرهنگ در برنامه دوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران

(۱۳۷۶-۱۳۷۸)،

▪ بخش فرهنگ در برنامه سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران (۱۳۷۹-۱۳۸۳)

▪ بخش فرهنگ در برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران (۱۳۸۶-۱۳۸۸)؛

و دوم پژوهش های انجام گرفته پیرامون تحولات شاخصهای «فرهنگ توسعه» به منظور ارزیابی روند تحولات شاخصهای مربوط به «فرهنگ توسعه» به عنوان نتایج عملی خط مشی گذاری فرهنگی در بعد از پیروزی انقلاب اسلامی (بنیانیان، ۱۳۸۶: ۲۴۶)

بطور خلاصه در جدول شماره ۱ عناوین تحقیقات داخلی و در جدول شماره ۲ عناوین تحقیقات خارجی در حوزه فرهنگ و توسعه درج گردیده است.

جدول شماره ۱: عناوین تحقیقات داخلی در حوزه فرهنگ و توسعه

محقق / طرح	اهداف و یا سئوالات اصلی	مهمترین یافته ها
طرح پیمایش ملی ارزش ها و نگرش ها (موج اول):	تحولات و نگرش های فرهنگی - اجتماعی	اندازه گیری تحولات فرهنگی و نگرش های اجتماعی ایرانیان صورت پذیرفته است.
طرح پیمایش ملی ارزش ها و نگرش ها (موج دوم)	تحولات و نگرش های فرهنگی - اجتماعی	اجرای مجدد طرح قبلی است که در سال ۱۳۸۲ انجام گردیده است
پژوهشکده علوم ارتباطی و توسعه ایران	آینده نگاری فرهنگی - اجتماعی	گرایش فرهنگی و نگرش های اجتماعی ایران مورد ارزیابی قرار گرفته است.
وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی	ارزش ها و نگرش ها	بررسی ارزش های اجتماعی، احساس اجتماعی، باورها و هنجارها
تراب زاده، سجاده، سمیعی نسب (۱۳۹۲)	مدل مفهومی سخنان مقام معظم رهبری پیرامون ابعاد، ویژگی ها و الزامات اقتصاد مقاومتی	اقتصاد مقاومتی شامل زیرساخت ها، راهبردها، مدیریت اقتصادی است.
محمد حسین حسین زاده بحرینی	اقتصاد مقاومتی عملیاتی	اقتصاد مقاومتی راهکاری برای دستیابی به توسعه است.
هزاوی، حیدری (۱۳۹۳)	بررسی راهکار اصلی تحول در اقتصاد سیاسی ایران	اقتصاد مقاومتی بعنوان نماد مدیریت جهادی در اقتصاد ایران، می تواند به

راهکار اصلی تحول در اقتصاد سیاسی ایران مطرح شود.		
تیین میزان آگاهی، نگرش ها و رفتارهای اجتماعی - فرهنگی در ایران	رفتار شناسی	منوچهر محسنی

پیشینه خارجی:

جدول شماره ۲: عناوین تحقیقات خارجی در حوزه فرهنگ و توسعه

مهمترین یافته ها	اهداف و یا سئوالات اصلی	محقق / طرح
فرهنگ هم نقش تشکیل دهنده و هم نقش تنظیم کننده را در حوزه اجتماعی دارد.	جامعه شناسی اقتصادی فرهنگ	ویویانا زلیتزر پاول دی ماجیو
تبیین رابطه بین توسعه اقتصادی و تغییرات ارزش های اجتماعی	تجدد و دگرگونی های فرهنگی	رونالد اینگلهارت
بررسی افزایش سطح توسعه، و ارزش های سستی و محافظه کارانه	توسعه و ارزش ها	شوارتز
به تکمیل کردن مقیاس های اندازه گیری پیشرفت، بر اساس تکنیک چند گزینه ای تاکید دارد.	توسعه مقیاس انگیزه پیشرفت	سینک
بررسی زیرساخت اجتماعی یا به عبارت دیگر ترکیب نهادها و سیاست ها با یکدیگر	زیرساخت اجتماعی	هال و جونز
نتایج این مطالعه نشان داده که وقتی اقتصاد به سمت وضعیت پایدار حرکت می کند، زیرساخت اجتماعی به افزایش رشد اقتصادی منتهی می گردد.	زیرساخت اجتماعی	چن و چو

ادبیات موضوع:

هر جامعه‌ای برای انجام دادن کارکردهای ضروری خود و بر آوردن نیازهای حیاتی اعضایش پنج نهاد بنیادی در اختیار دارد که عبارتند از: نهاد خانواده، نهاد آموزشی، نهاد سیاسی، نهاد اقتصادی و نهاد مذهبی. هرچند که مردم عموماً از رها کردن سنت‌ها، ارزش‌ها و رسوم کهن و پذیرش ارزش‌های تازه به جای آنها کراهت دارند. اما هیچ فرهنگی نیست که طی یک دوره زمانی، هیچ‌گونه دگرگونی را پذیرا نشده باشد. روش‌ها و درجه این دگرگونی البته که متفاوتند. هرگاه عناصر و مجموعه‌های فرهنگی تازه‌ای در یک فرهنگ پدیدار شوند و بر اثر آن محتوا و ساختار آن فرهنگ تغییر کند. دگرگونی فرهنگی پدید می‌آید مقاومت در برابر این دگرگونی، زمانی به آشکارترین صورت بروز می‌کند که این دگرگونی مستلزم اثرات شدید از ارزش‌های سنتی و رسوم جامعه باشد. (کوئن، ۱۳۸۵: ۶۶) لذا امروزه تحول در درک و مفهوم ابعاد فرهنگی توسعه اهمیت بسیار زیادی پیدا کرده است. در واقع در جریانات دهه ۸۰، آگاهی از بعد فرهنگی فراتر رفت و به شناخت معیارها و موانع فرهنگی توسعه منجر شد. برخلاف گذشته، فرهنگ دیگر به مثابه یک بعد فرعی و تزئینی توسعه نیست، بلکه حتی به عنوان بافت جامعه در روابط کلی اش با توسعه و نیروی درونی جامعه مشخص و تعریف شده است.

اقتصاد مقاومتی

اقتصاد را به مفهوم مقصد بودن تعریف کرده اند. علمی که قوانین پدیده‌هایی در جامعه را دنبال می‌کند که از کارهای مختلف نوع بشر برای تولید ثروت برمیخیزد تا جایی که این پدیده‌ها به وسیله تعقیب هدف دیگری معین نشوند (Mill, 1844: 31) اقتصاد، مطالعه انسان در کسب و کار معمولی اش در زندگی است. اقتصاد به کاوش در این می‌پردازد که چگونه انسان درآمدش را کسب و آن را مصرف میکند؛ بنابراین، از یک جنبه مطالعه ثروت است و از جنبه مهم دیگر، بخشی از مطالعه خود انسان است. (Marshall, 1890: 96) اقتصاد مقاومتی معادل واژه *Resistive economy* در ادبیات انگلیسی می‌باشد و شکل خاصی از نظام اقتصادی اسلام که سرمایه اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و سیاسی را در برمی‌گیرد. هدف اصلی این اقتصاد، مدیریت مصرف و تولید جامعه است؛ یعنی در نظام اقتصادی اسلام در این وضعیت با تغییر الویت هدف‌ها و به تبع آن در اصول راهبردی و سیاست‌های کلان و حاکمیت روحیه جهاد بر رفتارهای اقتصادی دولت و مردم، راهبردی کلان طراحی می‌شود که تهدید را به فرصت کرده و باعث رشد جهشی می‌شود

(میرمعزی، ۱۳۹۱: ۲۳) واژه مقاومت اشاره به جایگاه مال، امنیت، دفاع، استقلال و توانمندی از دیدگاه اسلام دارد. اقتصاد مقاومتی نیز در حالی در نهاد اجتماعی معنای ذاتی به خود میگیرد که بتواند، اصول و اهداف حقیقی خود را در گروه های اجتماعی نهادینه سازی کرده و اقشار خالق و کارآفرینی را در درون خود شکل بدهد. اقتصاد در فارسی، به معنای میانه روی و متعادل بودن دخل و خرج است و در اصطلاح، تعریف عموماً پذیرفته شده ای در میان اقتصاددانان از آن وجود ندارد؛ زیرا تعاریف داده شده در درجه نخست، از جامعیت الزام برخوردار نیست و در ثانی، با مسلم فرض کردن موضوعات، این تعاریف به دور باطلی از تعاریف جدید کشیده می شود. تعاریفی از اقتصاد مقاومتی رایج است که از اهم آنها می توان به تعاریف زیر اشاره نمود. اقتصاد مقاومتی، نوعی اقتصاد است که به یک ملت امکان می دهد و اجازه می دهد که حتی در شرایط فشار هم رشد و شکوفایی خودش را داشته باشند. به عبارت دیگر، اقتصاد مقاومتی عبارت است از اقتصادی راهبردی که محیط سنج است و درون و برون را به خوبی میبند و برای شرایطی که هر لحظه ممکن است تغییر کند، واکنشی مناسب دارد (حسینزاده، ۱۳۹۲: ۱۴۶) در تعریفی دیگر، اقتصاد مقاومتی عبارت از تشخیص حوزه های فشار در شرایط تحریم و کنترل و بی اثر کردن تحریم ها و تبدیل تهدیدها به فرصتها با باور و مشارکت همگانی و اعمال مدیریت عقلانی و مدبرانه برای کاهش وابستگی و تأکید بر مزیت های تولید داخل و تلاش برای خود اکتفایی می باشد. به عبارت دیگر، اقتصاد مقاومتی مختص زمان تحریم و جنگ نیست، بلکه یک چشم انداز بلندمدت پیش روی اقتصاد ایران است. (طهماسبی بلداجی، ۱۳۹۲: ۱۵۳) منظور از اقتصاد مقاومتی یک اقتصاد پویا و فعال است که هدف آن دفع موانع پیشرفت و توسعه و تلاش در مسیر تحقق توسعه پایدار می باشد. (Johnston, 2005: 16) اقتصاد مقاومتی یک مفهوم اقتصاد سیاسی است که در عمل و کاربرد بتواند مبتنی بر اقتصاد اسلامی، نه تنها بر بحران های ایجاد شده در عرصه های اقتصاد سیاسی فائق آید، بلکه مسیر اقتصاد را در جهتی قرار دهد که آمادگی و آینده نگری الزم نیز اتخاذ شده باشد (کارکنان نصرآبادی و همکاران، ۱۳۹۵: ۱۵)

فرهنگ توسعه و رابطه آن با توسعه فرهنگی:

برخی بر این اعتقاد هستند که فرهنگ مسلط بر همه چیز است، یعنی تمام اجزای جامعه جای گرفته است در یک فضای کلی فرهنگی. عده ای نیز نگاهی متفاوت به این مقوله دارند، بدین شکل که فرهنگ را مجموعه ای از آداب و رسوم و عاداتی رفتاری می پندارند، اگر چه در تحقیق حاضر تأکید بر نگاه دوم است به موضوع فرهنگ، با طرح سوالاتی چون، شهروندان یک جامعه

دارای چه ویژگی و رفتاری باشند تا همسو با ساختارها و سیاست‌ها و فرایند توسعه باشند؟ برای رسیدن به توسعه همه جانبه و درون‌زا چه نوع رفتار اجتماعی لازم است؟ مقصود از توسعه فرهنگی، ایجاد شرایط و امکانات مادی و معنوی مناسب برای افراد جامعه به منظور شناخت جایگاه آنان و رشد و افزایش و معرفت‌انسانها و آمادگی برای تحول و پیشرفت و پذیرش اصول کلی توسعه، نظیر قانون‌پذیری، نظم و انضباط، بهبود روابط اجتماعی و انسانی و افزایش توانایی‌های علمی و اخلاقی و معنوی برای همه افراد جامعه می‌باشد. توسعه فرهنگی با تاکید بر هویت فرهنگی، بهینه‌سازی شرایط فرهنگی و رشد کمی و کیفی مسائل مربوط به خود را نوید می‌دهد، اخلاق و آداب و سنن جامعه را بهبود می‌بخشد و بر رونق بازار فنون و دانش و تکنیک می‌افزاید. از طرف دیگر فرهنگ توسعه عبارتست از وجود باورها، اعتقادات، ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی مناسب برای زمینه‌سازی توسعه اقتصادی، که بخشی از توسعه فرهنگی است. بدین معنا که اگر توسعه همه جانبه را ترکیبی از توسعه اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی بدانیم، علاوه بر ضرورت وجود فرهنگ مناسب برای توسعه اقتصادی، باید از فرهنگ مناسب برای توسعه سیاسی و توسعه اجتماعی نیز یاد کرد (بنیانیان، ۱۳۸۶) بنابراین عامل فرهنگ از جایگاه ویژه‌ای در توسعه برخوردار است. بی‌توجهی و کم‌توجهی به آن تمام برنامه توسعه را با ناکامی مواجه خواهد ساخت.

جامعه‌پذیری و نهادینه‌سازی:

جامعه‌پذیری یا اجتماعی شدن، عمل یا فعالیتی است که انسان بدون شخصیت خاص و بدون هویت خاص، را که فردی غیراجتماعی و فاقد ویژگی مشخصی است، به فردی اجتماعی، دارای شخصیت مشخص و هویتی متمایز از دیگران تبدیل می‌کند. (منادی، ۱۳۸۶: ۲۷) از آنجاکه در این تحقیق به عناصر و محتوای جامعه‌پذیری توجه می‌شود، این مفاهیم که شامل ارزش‌ها اجتماعی، باورهای اخلاقی، هنجارهای اجتماعی، قوانین و مقررات هستند، می‌بایست مورد مفهوم پردازی قرار گیرند. ارزش‌های اجتماعی نیز عناصری هستند که مورد احترام و قبول اکثریت افراد جامعه هستند که هم نیازهای مادی و معنوی آنها را هدایت می‌کنند و شکل می‌دهند و هم در موقع قضاوت در مورد آن شخص، ملاک قرار می‌گیرد. هنجارهای اجتماعی: شیوه‌ها و سبک‌ها، رفتاری مشخصی هستند که قالباً بر اساس ارزشهای اجتماعی جامعه شکل گرفته و ساخته می‌شوند. قوانین و مقررات: دستورالعمل‌هایی هستند که یا گذشتگان آنها را برای منافع جمعی و ضایع نشدن حق دیگران و حفظ نظم تدوین کرده‌اند و یا در زمان حاضر بر اساس نیازها و مقتضیات جامعه تدوین شده‌اند.

نهادینه سازی یکی از اصطلاحات علم جامعه شناسی است که بیشتر از آن به نهادینه شدن تعبیر می شود. نهادینه شدن یک امر اجتماعی، یعنی پایه ای و ریشه ای شدن آن در متن و عمق جامعه و مقبول، تایید و به رسمیت شناخته شدن آن ارزش ها و مقررات توسط افراد جامعه است (گلایبی، ۱۳۷۶: ۹۹). نهادینه شدن فرایند منظمی از هنجارها، پایگاهها و نقش های به هم پیوسته است که جامعه آن را پذیرا شده است، از طریق نهادینه شدن رفتارهای خودانگیخته و پیش بینی ناپذیر، جای خود را به رفتار نظام یافته و پیش بینی پذیر می دهد. جامعه شناسان نهادینه شدن را نوعی فرایند می دانند که طی آن اشکال منظم، با دوام و تا حد زیادی پیش بینی شده در کنش متقابل توسعه می یابد. این فرایند با شروع پذیرش هنجارها و انتظارات نقش ها توسط افراد که از طریق گروه های متفاوت از آنها خواسته می شود انجام می گیرد و برخی نیز آن را فرایند تنظیم و الگو یافتن روش ها و رویه های مصوب جامعه تعریف کرده اند. (زاهدی، امرایی و نظر بیگی، ۱۳۸۹: ۵۵)

عوامل زیر ساختی فرهنگی و اجتماعی :

زیر ساخت اجتماعی - سرمایه اجتماعی - مفهومی که عموماً برای سنجش روابط افراد و شبکه های بین شخص بکار می رود نیست، بلکه شرایط فیزیکی است که چگونگی توسعه سرمایه اجتماعی را تضمین می کند. زیرساخت اجتماعی به هنگام قوت، مشوق ارتباط، حمایت متقابل و همکاری میان دوستان و همسایه ها است. به هنگام ضعف، مانع فعالیت اجتماعی است و خانواده ها و افراد را به حال خود رها می کند. زیرساخت اجتماعی اهمیتی اساسی دارد زیرا تعاملات محلی چهره به چهره (در مدرسه، زمین بازی و غذاخوری کوچک کنار خیابان) سنگ بنای تمامی زندگی عمومی هستند. آدم ها در مکان هایی که زیرساخت های اجتماعی سالم دارند، ارتباط برقرار می کنند، اما نه به منظور تشکیل گروه بلکه به این سبب که هنگام درگیری در تعاملات پایدار مکرر، به ویژه در حال انجام کارهای مورد علاقه، روابط به شکلی گریز ناپذیر رشد می کنند. (کلاینبرگ، ۱۳۹۹: ۱۵)

زیرساخت اجتماعی را می توان به دو گونه سخت و نرم تقسیم نمود، زیرساخت اجتماعی سخت شامل، تسهیلات و مراکز بهداشتی، تسهیلات آموزشی و ... و زیرساخت اجتماعی نرم، شامل زیرساخت های حکمرانی، زیرساخت اقتصادی، زیرساخت اجتماعی زیرساخت فرهنگی و زیرساخت های ورزشی و تفریحی باشد. برنامه ها، منابع، خدمات، و توسعه اجتماع محلی و فرهنگی (که محل بحث این پژوهش است). در یک جمع بندی می توان عوامل زیرساختی فرهنگی

و اجتماعی را در سطح کلان به سه محور کلی تقسیم نمود. اول ارگان ها و سازمان ها (مانند مدارس، دانشگاه، مساجد و...)، دوم فعالان اجتماعی (همچون هنرمندان، نخبگان، علما و...) و سوم بسترهای اجتماعی (مانند بسترهای عقیدتی، فیزیکی و هنری)

نظام آموزشی و اقتصاد مقاومتی:

امروزه در همه کشورهای جهان توجه به آموزش و پرورش بعنوان سرلوحه ای برای سرمایه گذاری بزرگ در نظر گرفته شده است. اما اختلاف زیادی در شیوه های سازمان دهی نهادهای آموزشی و در نسبت جمعیتی که انواع و سطوح مختلف آموزش را دریافت می کنند وجود دارد. (گیدنز، ۱۳۸۶). چنانچه جامعه ای که از نظر نیروی انسانی متخصص غنی باشد به دنبال آن سایر امکانات توسعه نیز توسط نیروی انسانی بوجود می آید. بنابراین رشد نهادهای آموزشی و علمی زمینه ساز مشارکت بیشتر مردم در تحولات اجتماعی و اقتصادی است و در مردم نوعی قابلیت و تحرک ذهنی ایجاد می کند که باورهای مناسب توسعه انسانی را پذیرفته و درونی می سازد. (شفرز، ۱۳۸۳: ۱۵۱). بنابراین برای بروز فرهنگ متعالی به معنای تمایز اجتماعی از طریق انجام دادن فعالیت هایی که با درجه بالایی از تفکر همراه است نظام آموزشی و ساختارهای آن از اهمیت ویژه ای برخوردار است. (بهرامی ثابت، فتحی و میرساردو، ۱۳۹۳) آموزش و پرورش رکن اساسی در توسعه جامعه است. آموزش و تربیت صحیح مخاطبان در نظام های آموزشی جنبه ای از سرمایه گذاری ملی محسوب می شود هر کشوری که توجه بیشتری نسبت به نظام آموزش و پرورش خود داشته باشد بیش از توسعه و اجتماعی بالایی برخوردار خواهد بود. سرمایه های انسانی هستند که می توانند از منابع طبیعی بهره برده و موجب توسعه و رشد اقتصادی گردد. به کمک همین نظام آموزشی است که می توان انسان هایم تفکر خلاق و مبتکر برای جامعه ساخت، که بتواند متعهد مندانه در جامعه خود ایفای نقش نماید. (احمدی و همکاران، ۱۳۹۵) اما در این میان نمی توان از نقش و تاثیر معلمان در زمینه سازی فرهنگ پیشرفت و توسعه چشم پوشید. بر اساس مطالعه ای در آمریکای لاتین صورت گرفته است، نتایج نشان می دهد، دانش آموزان هنگامی که زیر نظر معلمان آموزش دیده در یک مدرسه عادی آموزش می بینند همان گونه عملکرد دارند که توسط فارغ التحصیلان دانشگاهی آموزش داده می شوند. در نتیجه بانک جهانی تحقیقات را مورد بازنگری قرار داد و دریافت که تجارب کشورهای در حال توسعه این تعریف را تایید نمی کنند پس از بررسی های صورت گرفته از ۳۲ مطالعه انجام شده این نتیجه حاصل شد که معلمان تربیت شده در مراکز تربیت معلم می توانند

تغییراتی بنیادین در مدارس که بخشی از جامعه است ایجاد کنند. به بیان دیگر هر چه سرمایه‌گذاری در تربیت معلم برای تربیت هرچه بهتر معلمان بیشتر باشد در عملکرد معلمان آموزش دیده تاثیر مثبتی خواهد گذاشت. (ساخاروف پلوس، ۱۳۷۲) اما اخیراً همانگونه که در گزارش توسعه جهانی در سال ۱۹۷۰ آمده است بانک جهانی علاقمندی خود را نسبت به سرمایه‌گذاری بر روی منابع انسانی آموزش دیده و متخصص ابراز داشته است در این گزارش از مطالعات افرادی همچون هیگز و ویلر استفاده شده است آنان معتقدند که آموزش نقش کلیدی و حیاتی را در رشد اقتصادی یک جامعه ایفا می‌کند چنانچه اثرات تکمیلی میان سرمایه‌گذاری آموزشی و دیگر انواع سرمایه‌گذاری در نظر گرفته می‌شود کمک آموزش و افزایش رشد اقتصادی نیز بسیار قابل ملاحظه است. برای درک بهتر این واقعیت که آموزش و دیگر شاخص‌های توسعه انسانی هم علت و معلول توسعه هستند. میلر به این نتیجه رسیده بود که اگر سطح سواد در یک جامعه به طور متوسط بین ۱۳ تا ۲۰ درصد رشد کند رشد اقتصادی و تولید ناخالص آن جامعه نیز به طور متوسط بین ۸ تا ۱۶ درصد رشد خواهد یافت. (ساخاروف پلوس، ۱۳۷۳)

نقش خانواده در فرهنگ‌سازی پیشرفت و توسعه:

می‌توان به گروه‌ها یا زمینه‌های اجتماعی که فرایندهای مهم اجتماعی شدن در درون آنها رخ می‌دهد تحت عنوان عوامل اجتماعی شدن اشاره کرد. در همه فرهنگ‌ها، خانواده عامل اصلی اجتماعی شدن کودک در دوران طفولیت است. در جوامع امروزی اجتماعی شدن پیش از همه در یک زمینه کوچک خانوادگی رخ می‌دهد. خانواده‌ها جایگاه‌های مختلفی در چارچوب کلی نهادهای یک جامعه دارند. (گیدنز، ۱۳۸۶) خانواده یک گروه خویشاوندی است که در اجتماعی کردن فرزندان و برآوردن برخی از نیازهای بنیادی دیگر جامعه، مسئولیت اصلی را بر عهده دارد. خانواده از گروهی از آدم‌ها ترکیب می‌شود که از راه خون، زناشویی و یا فرزندپذیری با یکدیگر ارتباط می‌یابند و طی یک دوره زمانی نامشخص با هم زندگی می‌کنند. (کوئن، ۱۳۸۵). یکی از جنبه‌های مهم تطبیق‌پذیری، برداشت انسان‌ها از خویشاوندان، شیوه‌های سازمان‌گرفتن آنها در گروه‌های خویشاوندی، به پا کردن خانوارها و کاربرد پیوندهای خویشاوندی و روابط دیگر برای دستیابی به هدف‌های شان است. یکی از راه‌های بررسی یک نظام خویشاوندی، نگرستن به آنها به عنوان الگویی از منزلت‌ها و نقش‌های متقابل است. (بیتس، پلاگ، ۱۳۸۷) وابستگی به خانواده به عنوان یک ارزش از سال‌ها قبل در چارچوب الگوهای فرهنگی حاکم بر جامعه ایرانی مورد توجه بوده است و

این نکته ای است که مورد تایید بسیاری از سیاحان خارجی نیز قرار گرفته است. پولاک که در سفرنامه خود یادآور می گردد که " ایرانی تا آن اندازه در خانواده ریشه دارد که هر کاری از دستش برآید برای آن می کند. کارش با خانواده بالا می گیرد و با آن سقوط می کند و کاملاً در احساس افتخار و برافکنندگی هر یک از افراد فامیل خود شریک است. درست مانند اینکه ماجرا بر خود وی رفته باشد. پس از خویش و قوم، طایفه و پس از آن ولایت برایش اهمیت دارد و سرفرازانه می گوید که خویش و قوم و طایفه دارم. (پولاک، ۱۳۶۸)

سازمانها و نهادهای مؤثر در « فرهنگ توسعه »

به نظر می رسد آشنایی و بیان تمایزات معنایی بین مفاهیم سازمان و نهاد بتواند در تفهیم ارتباط آنها با فرهنگ پیشرفت و توسعه کمک نماید. از اینرو نورث معتقد است، سازمان متشکل از گروهی از افرادند که نیتی مشترک برای دستیابی به اهداف مورد نظر، آنها را گرد هم آورده است (نورث، ۱۳۷۷). وی درباره نهادها معتقد است، نهادها به عنوان قیودی هستند که ابناى بشر بر خویش وضع کرده اند؛ نهادها راهنمای نقش متقابل انسانها هستند. نهادها هم می توانند رسمی باشند، مثل قوانین اساسی و سایر قوانین، و هم می توانند غیر رسمی باشند، مثل آداب و رسوم. (همان). بنابر این گرچه بین سازمانها و نهادها، ارتباطات گسترده ای وجود دارد، اما سازمان یک تجمع آگاهانه با مرزهای مشخص از نیروی انسانی است که هدف خاصی را تعقیب می نماید و برای تنظیم روابط درونی و بیرونی خود از نهادهای موجود در جامعه بهره می برد (پهلوان، ۱۳۷۸). با پذیرش مسئولیت دولتها در قبال توسعه فرهنگی، این سؤال پیش می آید که دولتها از طریق کدام سازمانها و نهادهای در اختیار خود می خواهند این مسئولیت را انجام دهند؟ در پاسخ به این سؤال باید برگردیم به ماهیت فرهنگ و تعریفی که از آن مطرح شد، و مشخص گردید که فرهنگ، مانند هوا که همه جا را احاطه نموده، در محیط اجتماعی با حضور همه جانبه در محیط، تنظیم کننده روابط افراد، سازمانها و نظام های دیگر اجتماعی است و اگر بحث از سازمانها و نهادهای مداخله کننده در فرهنگ می شود، می توان چنین تلقی کرد که این سازمانها و نهادها با مدیریت و برنامه ریزی ای که بر آنها اعمال می شود، می خواهند در درون فرهنگ احاطه کننده کلیه پدیده های اجتماعی، به پالایش فرهنگی جامعه پردازند و باید تغییرات تدریجی و هدفمند را در نظام باورها، ارزشها و رفتارهای درون یک جامعه عملی سازند. با پذیرش این پیش فرض می توان نظام و سیستمی را تصور کرد که ورودی آن جهان بینی، ایدئولوژی، ارزش ها، آداب و رسوم و نهادها و رفتارهای موجود جامعه است که در فرایند پردازش

نقدانه از طریق سازمانها و نهادهایی که توان تحول فرهنگی را دارند به مجموعه های تازه ای از جهان بینی، ایدئولوژی، ارزشها، آداب و رسوم و نمادها و رفتارهای مورد انتظار تبدیل می شوند. این سازمانها و نهادها در درون خود نیز علاوه بر ارتباطی که با یکدیگر تنظیم می نمایند، باید از یک مرکزیتی مدیریت شوند و لذا این مجموعه به هم پیوسته را می توان نظام فرهنگی نامید. با بررسی سازمانها و نهادهای مؤثر در تحولات فرهنگی جامعه، می توان در یک تقسیم بندی کلی آنها را به سه گروه تقسیم کرد:

۱) سازمانهای دولتی که با هدف مداخله در تحولات فرهنگی جامعه تأسیس شده اند، مثل وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، وزارت آموزش و پرورش، سازمان تبلیغات اسلامی، سازمان صدا و سیما و...

۲) سازمانها و نهادهای مردمی که به صورت خودجوش از طریق گروههای ذی نفوذ خارج از دولت، برای تأثیر در فرهنگ جامعه به وجود آمده اند، مثل مساجد و تشکل های هنرمندی و ...

۳) سازمانها و نهادهایی که برای اهداف اقتصادی، سیاسی، نظامی و اجتماعی به وجود آمده اند، اما به واسطه ماهیت فرهنگ، علاوه بر تحقق اهداف خود، در فرهنگ جامعه نیز تأثیر گذاشته و همواره در تغییر ارزشها و رفتارهای جامعه تأثیر دارند، مثل تمامی وزارتخانه ها، سازمانها، شرکتهای دولتی و خصوصی و نهاد خانواده و غیره.

تأثیرات فرهنگی این سازمانها و نهادها از چهار منشأ وارد فضای فرهنگی جامعه می شوند:
 ا) فرهنگ سازمانی که با تأثیر در فرهنگ اعضای سازمان، در فرهنگ جامعه تأثیر می گذارند؛
 ب) از طریق نوع و کیفیت کالا و خدمتی که به جامعه عرضه می کنند در تغییرات رفتاری افراد جامعه تأثیر می گذارند

ج) از طریق داده و ستاده ای که با نظام فرهنگی کشور برقرار می کنند در نظام فرهنگی کشور مشارکت می کنند.

د) از طریق داده و ستادهای که با نظام فرهنگ در کشور مشارکت می کنند.
 به زعم ریچارد دفت نیز سازمان از چهار منظر مورد توجه قرار می گیرد اول اینکه یک نهاد اجتماعی است، دوم، مبتنی بر هدف می باشد، سوم، ساختار آن به صورتی آگاهانه طرح ریزی شده است و دارای سیستم های فعال و هماهنگ است و چهارم اینکه با محیط خارجی ارتباط دارد.

ابزار های فرهنگی، اقتصادمقاومتی، پیشرفت و توسعه:

از آنجا که فرهنگ یک پدیده اجتماعی است برای ایجاد و گسترش و تقویت آن به ابزارهایی نیاز است، هر قدر ابزارها از توانمندی و روزآمدی بیشتری برخوردار باشند دستیابی به هدف در جامعه مقصدآسان تر فراهم می شود. ابزارهای فرهنگی عبارتند از: ۱- فیلم و سریال و عکس ۲- ادبیات، اشعار، رمان و مقالات ۳- رساله ها، خبرگزاری ها، روزنامه ها، مجلات اینترنت، ماهواره ۴- هنر، موسیقی، نقاشی و... ۵- پوشاک، طراحی لباس و... ۶- زیان ۷- ورزش ۸- خوراک، غذاها و نوشیدنی ها. (مایلی، شوهانی، ۱۳۹۷) از دیگر عوامل می توان به رسیدن به یک پارادایم مشترک از دیدگاه های نظری در قالب تدوین برنامه هایی برای رسانه های جمعی، کتب درسی و از این دست اشاره نمود.

تحولات جهانی و فرهنگ پیشرفت و توسعه:

هرچند ریشه ای به جهانی شدن مباحث اقتصادی و سپس سیاسی بوده است اما تأثیرات جهانی شدن بر جوامع روابط اجتماعی و فرهنگ بیشتر از حوزه های دیگر می باشد و بر این مبنا رشته جامعه شناسی و مفاهیم آن بیش از رشته های دیگر متأثر از جهانی شدن بوده است و اترز معتقد است ست که جهانی شدند در بعد فرهنگی بسیار بزرگتر مهم تر و سریع تر از ابعاد دیگر جهانی شدن اتفاق افتاده است. (Albrow, 2012: 372) جهانی شدن فرهنگی عبارت است از گسترش سنت ها و آداب و رسوم و ارزشهای مناطقی به مناطق دیگر از طریق تعاملات سه نظریه درصدد برآمده اند که جهانی شدن فرهنگی را توضیح دهند نظریه فرهنگ چیره نظریه برخورد تمدن ها و نظریه در هم آمیزی نظریه چیره گی فرهنگی معتقد است که با افزایش تعاملات بین کشورها فرهنگی که بر نفوذ تر و غنی تر باشد شیر می شود و لذا سنت ها باورها و حتی آداب و رسوم غذایی و لباس پوشیدن فرهنگ برتر در بقیه مناطق جهان رواج پیدا می کند نظریه برخورد تمدن ها معتقد است با گسترش تهدیدات ناشی از تعاملات موجودیت های فرهنگی انعطاف پذیرتر و تغییرناپذیر تر شده و برای حفاظت از خودشان به عنوان یک هویت واحد به خشونت های قومی مذهبی و نژادی و ملی هم دست می زنند نظریه درهم آمیزی معتقد است که با افزایش جابجایی و تماس ها مرزهای سستی از بین می رود و انتقال پذیری فرهنگ ها هم ساده تر می شود از این رو امکان خالص ماندن فرهنگ ها غیرممکن می شود و هر فرهنگی عناصری از فرهنگ های دیگر را در خود جذب می کند. Onwe (and Nwogbaga. 2014: 281)

مبانی نظری

اقتصاد مقاومتی از منظر علوم مختلف مورد بررسی و تحقیق قرار می گیرد. در این نوشتار این مفهوم از منظر دو نظریه مهم جامعه شناختی رفتار برنامه ریزی شده و نظریه جامعه شناسی چند بعدی مورد بررسی قرار می گیرد.

الف) نظریه رفتار برنامه ریزی شده:

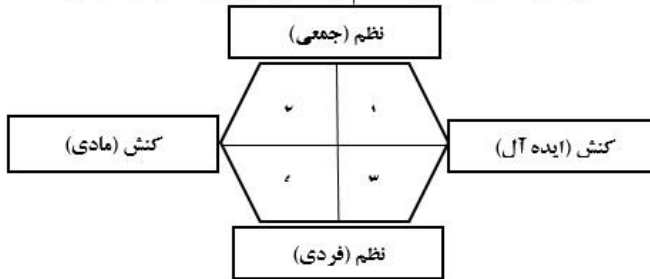
نظریه رفتار برنامه ریزی شده (آژن، ۱۹۹۸-۱۹۹۱) به عنوان یکی از تأثیرگذارترین و رایجترین چارچوبهای مفهومی برای مطالعه عمل انسانی (رفتار)، مطرح گردیده است (Ajzen, 2005: 665). آژن، این نظریه را در سال ۲۰۰۵ با تشریح ارتباط متقابل بین سه متغیر اثرگذار بر تمایل، توسعه داد. بر اساس این نظر و تابعی از سه متغیر است ۱- نگرش در جهت رفتار ۲- هنجارهای ذهنی ۳- کنترل رفتاری درک شده. نگرش به عنوان یکی از ابعاد تعیین کننده رفتار اجتماعی، به دو مؤلفه انتظار فایده و ارزیابی فایده، تجزیه می شود. انتظار فایده به معنی آن است که یک شخص تا چه حد از یک پدیده انتظار فایده دارد. ارزیابی فایده به نسبت روشن است و طی آن شخص ارزیابی میکند که آیا آن پدیده برای او فایده دارد یا نه (بارانی و همکاران، ۱۳۸۸: ۸۰). بنابراین "نگرش در جهت رفتار" اشاره به درجه مطلوبیت یا عدم مطلوبیت رفتار مورد ارزیابی فرد دارد (بک و آژن، ۱۹۹۱: ۲۸۶) اینطور فرض شده است که نگرش کلید درک رفتار انسانی است. مطالعات اخیر در مورد ساختار نگرش، هیچ دلیل برای تردید در این فرض باقی نمیگذارد (Ajzen & Fishbein, 2005: 174) متغیر دوم، هنجارهای ذهنی است، بدین معنا که تا چه اندازه فرد برای انجام رفتار خاصی از سوی جامعه احساس فشار یا تأکید می کند. به عبارت دیگر برای شخص مهم است که جامعه، چه برداشتی در مورد بسیاری از رفتار مورد انتظار وی داشته باشد. (بارانی و همکاران، ۱۳۸۸: ۸۰)، رفتارها، این مراجع اجتماعی مهم شامل والدین شخص، همسر، دوستان نزدیک، همکاران، و بسته به رفتار مورد نظر، شاید متخصصانی مانند پزشکان یا حسابداران مالیاتی باشند (Ajzen, 2005: 124) متغیر سوم به عنوان یکی از پیشگو کننده های ضروری در رفتار به شمار میرود. فی الواقع کنترل رفتاری درک شده به معنی درک فرد از میزان سختی و یا آسانی انجام رفتار است و شامل فاکتورهای خارجی (مانند زمان، فرصت، منابع و...) و فاکتورهای داخلی (مانند، توانایی ها، مهارت ها و فشارها) است (کشاورز و همکاران، ۱۳۸۹: ۲۰۰) کنترل رفتاری درک

شده، بر هر دوی متغیرهای تمایل و رفتار، اثرگذار است. دلیل عقلی که در وجود متغیر کنترل رفتاری درک شده وجود دارد این است که به پیش بینی رفتارهایی که تحت کنترل ارادی کامل نیستند، کمک می کند (Armitage & corner, 2001:472) هرچه افراد تصور کنند که دارای منابع و فرصت های الزم بیشتری هستند و از طرفی موانع کمتری را انتظار داشته باشند، کنترل بیشتری را بر رفتار خود درک می کنند (Ajzen, 2005:125) شاید بتوان کنترل رفتاری درک شده را همانند مفهوم خود کارآمدی بندورا (۱۹۸۶) دانست. منظور این دو مفهوم توانایی فرد برای انجام دادن یک فعالیت است و این که تا چه اندازه یک فرد توانایی انجام یک فعالیت را در خود احساس می کند. باور به خود کارآمدی بر مواردی نظیر توسعه فعالیت های شغلی، قابلیت های حرفه ای و عملکرد شغلی افراد تاثیر می گذارد. (بارانی و همکاران، ۱۳۸۸: ۷۸)

ب) نظریه جامعه شناسی چند بعدی:

"جفری الکساندر" همانند پارسونز به طرح مفهومی نظم پرداخته است و جامعه شناسی را جدا از گذشته ندانسته است. هدف او در این بحث پیوند بین نظریه پردازان نوین و گذشته بوده است. بر این اساس وی خواسته است مسئله کنش اجتماعی را ترکیبی از بینش اثباتی، غیر اثباتی و فراتفسیری جهت دهد و تلفیق نماید. الکساندر عنوان می کند که پیوستار خرد-کلان، به عنوان سطوح تحلیل فردی یا جمعی بیانگر شیوه هایی است که نظم از طریق آن در جامعه ایجاد می شود. در حد کلان پیوستار، نظم از خارج اعمال می شود و ماهیتی جمع گرایانه دارد، بدین معنا که نظم از طریق پدیده های جمعی ایجاد می شود. اما در حد خرد، نظم از نیروهای درونی شده سرچشمه میگیرد و ماهیتی فردگرایانه دارد، یعنی نظم از مذاکره فردی ناشی می شود (ریترز و همکاران، ۱۳۹۰: ۵۴۳) رابطه میان عناصر فوق توسط الکساندر با عنوان مدل انسجام طراحی شده است. از نظر وی دو مسئله عمده در جامعه شناسی به لحاظ نظری و عملی وجود دارد که ترکیب آنها مشکل ساز شده است. وی این دو روند نظم و کنش را در ارتباط باهم و بر اساس مدل تلفیقی ترسیم کرده است. (کارکنان نص_____آبادی و همک_____اران، ۱۳۹۵: ۱۷)

نمودار شماره ۱: روند نظم و کنش در ارتباط با یکدیگر



بر اساس مدل فوق ، در منطقه اول که از رابطه نظم جمعی و کنش ابزاری تشکیل شده است، ساخت های مادی قابل بررسی است. در این حوزه آزادی فردی وجود ندارد. در منطقه دوم که از برخورد نظم جمعی و کنش ایده آل ایجاد می گردد هنجارها حادث می شود. در منطقه سوم که از رابطه بین کنش مادی و نظم فردی حاصل می شود، کنش عقلانی قابل پیگیری است. در منطقه چهارم که از رابطه بین کنش ایده آلی و نظم فردی به وجود می آید کنش ارادی به حداکثر می رسد. گرچه الکساندر رابطه دیالکتیک بین چهار عامل مطرح می کند، اما رابطه دوم که هنجارها ست بیشتر مطلوب اوست. آنچه در این دیدگاه به نظر الکساندر مطلوب است، بررسی و تحلیل نحوه اجتماعی شدن فرد است که منتج از نیروی جمعی و رفتارهای ارادی است. این طرز تلقی نقد کننده دیدگاهی است که عمل فردی را یا مطلقا آزاد یا مطلقا جبری می داند(توسلی، ۱۳۸۶: ۹۹) از طرف دیگر، جامعه شناسی اقتصادی جدید از ابتدای شروع کار ذاتا تکثرگرا بوده و چندین نظر متفاوت را در بر می گیرد. در دهه ۱۹۸۰ برای مدتی به نظر می رسید جامعه شناسی ساختاری بر آنها کم شده و برخی از رقیبان دیگر را حذف کرده است به ویژه جامعه شناسی فرهنگی، جامعه شناسی پارسونزی و جامعه شناسی تغییر. اما این تلاش با مقاومت سختی از سوی طرفداران رهیافت فرهنگی روبرو شد. این حقیقت که خیلی از جامعه شناسان اقتصادی فرهنگ را در تحلیل های شان به حساب می آورند مدیون کارهای دو نفر است، ویویانا زلیزر و پاول دی ماجیو. زلیزر می گوید؛ هدف باید این باشد که عوامل اقتصادی و فرهنگی به حساب بیایند و میانه بین فرهنگ و مطلق گرایی ساختار اجتماعی را در نظر بگیریم. دی ماجیو می گوید؛ فرهنگ می توان دهم تشکیل دهنده و هم تنظیم کننده باشد فرهنگ در حالت تشکیل دهندگی از طریق عناصری مانند مقولات متن ها و مفاهیم عمل کرده و در حالت

تنظیم کنندگی از طریق هنجارها ارزش ها و عادات جاری کار می کنند. (سوئند برگ، گرانوتر، ۱۳۹۵: ۱۳۴)

مفهوم جامعه شناختی هنجار، ارزش و باور:

هنجار اجتماعی: هنجار قاعده ای است که به هدایت الگوی رفتار اجتماعی می پردازد. نمونه هایی از هنجارها در برگیرنده قوانین، اصول اخلاقی و رهنمودها، عادات و رسوم و قواعد رفتارهای مودبانه است. افزودن بر این هنجار ممکن است بیانگر اهداف مطلوب نیز باشد (edger,2003) نقش عمده هنجارها در جامعه تنظیم نظم اجتماعی و تبعیت از آنها در روابط اجتماعی است. (رفیع پور، ۱۳۷۸) هنجار، قاعده یا دستورالعملی است که می گوید مردم در مورد وضع خاص چگونه رفتاری باید داشته باشند. هنجارها جزئی تر و اختصاصی تر از ارزش ها هستند. (محسنی، ۱۳۹۶) برخی از هنجارها از طریق مذهب، قوه مقننه و یا دولت ها به وجود می آید و بسیاری از هنجارهای مهم زندگی نیز از عادات و سنت ها ناشی می شوند. و در ردیف شیوه های سستی و تکراری انجام دادن امور روزمره قرار می گیرند. آنچه از نظر هنجارها اهمیت دارد، فشار اجتماعی ناشی از اشخاص است که با یکدیگر ارتباط متقابل اجتماعی دارند. اشخاص درباره چیزها داوری می کنند و این قضاوت ها را به دیگران نیز منتقل می کنند. (o.berien,1980)

ارزش اجتماعی: بطور کلی ارزش ها، افکار و احساساتی هستند که ما برای آن ها، بهاء اهمیت و مطلوبیت بیشتری قائل هستیم. می دانیم که ارزش ها در حقیقت مفاهیمی جمعی هستند از آن چه از نظر فرهنگی، خوب، مطلوب و مناسب و یا اینکه، بد، غیر مطلوب و نامناسب تلقی می شود. ارزش های اجتماعی تعیین می کنند که برای مردم یک جامعه چه چیز مهم است و چه چیز درست است. (محسنی، ۱۳۹۶) ارزش های اجتماعی از نوع استانداردهای فرهنگی هستند که اهداف کلی مطلوب برای زندگی اجتماعی سازمان یافته را مشخص می نماید. ارزش های اجتماعی تدارک گر مفهوم نهایی و مشروعیت انتظامات اجتماعی و رفتارها هستند. (mukhi,1995)

نگرش ها، عقاید و باورها: تریاندیس معتقد است که رفتار اجتماعی در چارچوب نگرش ها و باورهای فرهنگی مطرح در یک جامعه شکل می گیرد و تعریف می شود. (تریاندیس، ۱۳۷۸) باورها در حقیقت پیشنهادهای نیمه مدونی هستند که فرد یا گروه هایی با آن ها رابطه ای احساسی دارند و آنها را چیزهایی واقعی می پندارند و حال آنکه از نظر منطق علمی الزاما دلیلی بر صحت آن ها وجود ندارد. (boudon,1999) در صورتی که این باورها از طریق پاره ای تجربه های زیسته تایید شود افراد در صدد استحکام بخشیدن مبانی آن برمی آید و از نظر روانی و اجتماعی (عقلانی

کردن و نهادی کردن) برای آن جایگاه ایجاد می کند. در یک مجموعه خاص فرهنگی می توان فهرست کامل این باورها را بر اساس روش های گوناگونی تدوین کرد، شدت احساسات مردم در قبال آن ها، فراوانی وابستگی به آنها و درجه سیستماتیک بودن چارچوب آنها. (محسنی، ۱۳۹۶) باورها معرفت افق زندگی ما هستند و نقش آنها دخالت در نگاه های ما از واقعی و اجتماعی است و نشان می دهند که ما با چه چیزهایی موافق هستیم. باورها نادیدنی هستند و فقط وقتی که مردم به گونه خاصی رفتار می کنند می توانیم بگوییم باورهای آنها چگونه است. (gill, 2002) باور از این جهت با مفهوم ارزش تفاوت دارد که در حالی که ارزش آن چیزی است که افراد آن را جذب یا مطلوب تلقی می کنند، باور به چیزی باز میگرد که افراد آن را واقعی و حقیقی می دانند، باور ممکن است مبتنی بر مشاهده منطقی، سنت، پذیرش دیگران و یا ایمان باشد (singler, 2000) باورها، به رغم تداوم می توانند حتی در طول مدتی کم و بیش کوتاه دستخوش دگرگونی شوند و گاه تغییر در فرهنگ مادی، دگرگونی باورها را سبب می شود (کوثری، ۱۳۷۹)

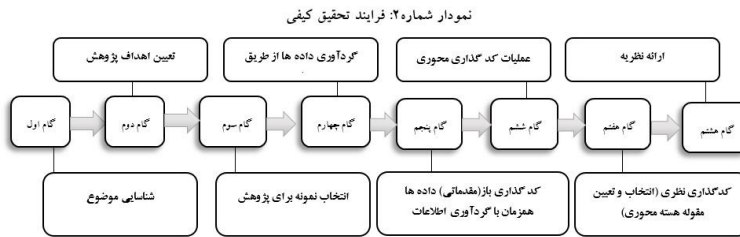
باورداشت ها و عملکردهای مذهبی کاری بیشتر از تنظیم منابع را انجام می دهند. این باور داشت ها در اعتبار بخشیدن به وضع موجود، یکپارچه سازی جامعه و نگهداشت ثبات اجتماعی نیز سهیم اند. بیشتر مناسک مذهبی با اجتماع گروه هایی از مردم انجام می گیرند. به هر روی علاقه ما به کارکردهای اجتماعی دین، از قضیه گرد هم آمدن مردم بسیار فراتر می رود. رد کلیف براون (۱۹۵۲) به پیروی از امیل دورکیم چنین استدلال می کند که کارکرد اصلی این استقرار، تدوین، باز تأیید و تحکیم ارزش های بنیاد اجتماعی است. دین به پیشبرد وحدت و ثبات جامعه به صورت های گوناگون کمک می رساند. وقتی درگیری هایی پیش می آید دین می تواند نقاط توافقی را ساختار بخشد و در نتیجه، زمینه مشترکی را فراهم سازد که همه طرف های درگیر آنها برای سراسر اجتماع معتبر می دانند امکان وقوع تنش و درگیری در نقش ها و روابط اجتماعی از جمله میان خویشاوندان، همسران، زنان، مردان، فرمانروایان و فرمانبرداران، ذاتی هر جامعه ای است. مناسک یکی از راه های سوق دادن و تحت نظارت درآوردن کشمکش هایی است که وقتی پیش می آید که شخص در میان الزام های اجتماعی آشتی ناپذیر گیر می کند و یا هنجارهای اخلاقی حاکم بر کل جامعه با منافع گروه های خاص و تعارض پیدا می کنند. باورداشت ها و مناسک مذهبی می توانند به عنوان گردونه ها و یا محرک های دگرگونی اجتماعی عمل کنند. (بییتس و پلاک، ۱۳۸۷)

روش شناسی تحقیق:

پژوهش حاضر از نوع پژوهش کیفی (مطالعاتی - اکتشافی) و به لحاظ کارایی از نوع کاربردی است. راهبرد پژوهشی مورد استفاده در این تحقیق نظریه داده بنیاد (گرند تئوری GT) می باشد. از آنجایی که پژوهش حاضر در پی درک عوامل موثر (زیرساختی) بر شکل گیری فرهنگ توسعه منتج به تسهیل اجرای سیاست های اقتصاد مقاومتی است و قصد دارد نتایج آن اقدامات اصلاحی و رهنمون های موثقی را ارائه دهد یک پژوهش کاربردی محسوب می شود. از منظری دیگر با عنایت به دانش افزایی ناشی از طراحی مدل و بررسی اثرات متغیرهای موثر در آن، این پژوهش جهت گیری توسعه ای دارد. داده ها و اطلاعات مندرج در این پژوهش از دو منبع مختلف بدست آمده است. داده های اولیه از طریق مصاحبه و داده های ثانویه از کتاب ها، مقالات، اسناد و مدارک بدست آمده است. بدین ترتیب که در مرحله نخست داده های کیفی از خلال مصاحبه های عمیق (۳۰ مورد) با مشارکت کنندگان پژوهش گردآوری شد. نمونه گیری بصورت نظری انجام شد که این نمونه گیری تا رسیدن مقوله ها به اشباع نظری ادامه یافت. جامعه آماری تحقیق خبرگان و صاحب نظران حوزه فرهنگ و توسعه بودند که جمع آوری داده ها با روش نمونه گیری مبتنی بر نمونه گیری گلوله برفی صورت پذیرفت. براساس تحلیل داده های کیفی، و تکمیل مرحله کد گذاری باز و محوری، خط ارتباطی میان مقوله های پژوهش شامل شرایط علی، مقوله محوری، بستر، شرایط مداخله گر، راهبرد و پیامدها مشخص شد. در خصوص روش تحلیل داده ها، در مرحله اول به ارائه داده های کیفی برآمده از تحلیل مصاحبه های انجام شده با مشارکت کنندگان طرح مدل نظری مستخرج از دل این داده ها در چارچوب طرح نظام مند نظریه داده بنیاد اختصاص داده شد. به همین منظور نخست مقوله های بدست آمده از فرایند کدگذاری باز پژوهش ارائه و سپس اجزاء پارادایم کدگذاری محوری، شامل شرایط علی، پدیده اصلی، راهبردها، زمینه شرایط مداخله گر به تفکیک و بر اساس مقوله های زیر مجموعه خود طرح و در آخر طبق کدگذاری انتخابی به هم پیوند داده شده اند.

در کدگذاری محوری، نظریه پرداز داده بنیاد، یک مقوله مرحله کدگذاری باز را انتخاب کرده و آن را در مرکز فرآیندی که در حال بررسی آن است قرار می دهد (به عنوان پدیده مرکزی) و سپس، دیگر مقوله ها را به آن ربط می دهد. این مقوله های دیگر عبارت اند از: «شرایط علی»، «راهبردها»، «شرایط زمینه ای و مداخله گر» و «پیامدها». این مرحله شامل ترسیم یک نمودار است که «الگوی کدگذاری» نامیده می شود. در این الگو، شش جعبه (یا مقوله) از اطلاعات وجود دارد:

- شرایط علی: مقوله‌هایی مربوط به شرایطی که بر مقوله محوری تأثیر می‌گذارند.
 - زمینه: شرایط خاصی که بر راهبردها اثر می‌گذارند.
 - مقوله محوری: یک صورت ذهنی از پدیده‌ای که اساس فرآیند است.
 - شرایط مداخله‌گر: شرایط زمینه‌ای عمومی که بر راهبردها تأثیر می‌گذارند.
 - راهبردها: کنش‌ها یا برهم‌کنش‌های خاصی که از پدیده محوری منتج می‌شود.
 - پیامدها: خروجی‌های حاصل از استخدام راهبردها.
- در مرحله دوم، ابتدا روایی و سپس برازش مدل اندازه‌گیری مورد تایید قرار گرفت.



بحث و بررسی یافته‌های پژوهش:

با توجه به قضایای استخراج شده از کدگذاری محوری، پنج شاخص گروه‌های اجتماعی، سازمان‌ها و نهادهای فرهنگی - اجتماعی، ابزارهای موثر، تعاملات سیستم سیاستگذاری با سایر نظام‌های فرهنگی و اجتماعی و تأثیر تحولات جهانی بر سیستم سیاستگذاری فرهنگی و اجتماعی که نقش تعیین‌کننده‌ای در شکل‌گیری فرهنگ پیشرفت و توسعه دارند، از جامعه مخاطبان مورد سوال قرار گرفت. نتایج این بخش در قالب تبیین اولویت‌ها در جدول شماره ۳ نمایان گردیده و در ادامه هرکدام از نتایج مورد تحلیل قرار می‌گیرد.

جدول شماره ۳:

ردیف	قضاوت مخاطبان نسبت به شاخص‌های تحقیق	اولویت‌های مخاطبان (بر اساس نقش هر شاخص)				
		اول	دوم	سوم	چهارم	پنجم
۱	گروه‌های	معلمان	روحانین	مدیران	اساتید	نخبگان و

روشنفکران	دانشگاه	ارشد و اجرائی			اجتماعی موثر در فرهنگ سازی توسعه	
مطبوعات	صدا و سیما (رسانه های جمعی)	امکان مذهبی	خانواده	آموزش و پرورش	۲ اهمیت نقش سازمان ها و نهادهای فرهنگی در اصلاح فرهنگ توسعه در جامعه	
پایش مستمر اطلاعات مورد نیاز پیشرفت و توسعه (ابزار سازمانی)	قوانین مصوب در راستای ارتقاء مسئولیت های اجتماعی (ابزار سازمانی)	سخنرانی های پایگاه های نظری (ابزار فرهنگی)	برنامه رسانه های جمعی (ابزار فرهنگی)	کتاب آموزشی دانش آموزان (ابزار فرهنگی)	۳ ابزارهای موثر در اصلاح فرهنگ توسعه	
شناخت رابطه فرهنگ با دیگر صور توسعه در دستگاه های متولی	انجام پژوهش های کاربردی برای	کنترل تاثیرات گروه ها، جریانات و تفکرات گسترده	تغییر نگرش و ارتقاء سطح علمی و مهارتی مدیران	اثربخشی و کارکرد سازمان ها و نهادهای فرهنگی و اجتماعی	۴ تعاملات سیستم سیاستگذاری با سایر نظام های فرهنگی - اجتماعی	
از طریق تاثیر در علم و بکارگیری تکنولوژی نوین	از طریق تاثیر در کارکرد سازمان های فرهنگی	از طریق تاثیر گروه های ذینفوذ اجتماعی (اصناف، گروه های سیاسی	از طریق تغییر در سبک مصرف و مناسبات اقتصادی	تاثیر در عقاید، هنجارها، ارزش ها و رفتارهای فرهنگی و اجتماعی	۵ تاثیر تحولات جهانی بر سیستم سیاستگذاری فرهنگی - اجتماعی	

		(...و)			
--	--	--------	--	--	--

قضاوت پاسخگویان نسبت به گروه‌های اجتماعی موثر در فرهنگ‌سازی توسعه

برای آشنایی با گروه‌های مختلف اجتماعی که بافعالیت خود در تدوین مدل سیاست‌گذاری اثر گذار هستند ۸ سوال مطرح گردیده که پاسخ‌ها در نمودار ذیل ارائه شده است. مخاطبان در پاسخ به سوال "به نظر شما کدامیک از گروه‌های زیر حساسیت و دغدغه بیشتری برای اصلاح فرهنگ توسعه در جامعه دارند؟" معتقدند روحانیون و معلمان بیشترین حساسیت نسبت به موضوع فرهنگ و تأثیرات آن در تحولات فرهنگی - اجتماعی برخوردارند. به بیان دیگر از دیدگاه مخاطبان معلمان و روحانیون موثرترین گروه‌های اجتماعی موثر در فرهنگ‌سازی پیشرفت و توسعه قلمداد شده است.

قضاوت پاسخگویان نسبت به اهمیت نقش سازمان‌ها و نهادهای فرهنگی در اصلاح

فرهنگ توسعه در جامعه

برای شناخت بیشتر از سازمان‌ها و نهادهای اجرایی مرتبط با مساله فرهنگ توسعه، لازم است جایگاه و اهمیت سازمان‌های موثر در فرهنگ و توسعه شناسایی شود. بدین منظور ۱۱ گزینه تدوین شد که پاسخ‌های مربوطه در ذیل درج گردیده است. پاسخ دهندگان در پاسخ دهندگان در پاسخ به این سوال که "به نظر شما کدام یک از سازمان‌ها، نهادها و موضوعات مطرح شده، نقش بیشتری در تغییرات فرهنگی و توسعه ای جامعه دارند؟" آنچه از آمار بدست آمده نمایان می‌گردد، پاسخگویان بیشترین نقش در تغییرات فرهنگی و توسعه را در نهاد خانواده و آموزش و پرورش اعلام و با اختلاف اندک نهادهای مذهبی (روحانیون) را نیز موثر توصیف نموده‌اند. به عبارتی نهادهای خانواده، آموزش و پرورش و نهادهای مذهبی موثرترین نهادها و سازمان‌های فرهنگی در شکل‌گیری و اصلاح فرهنگ پیشرفت و توسعه تبیین گردیده است.

قضاوت پاسخگویان نسبت به ارزیابی ابزارهای موثر در اصلاح فرهنگ توسعه

برای آشنایی با ابزارهای مناسب در طراحی مدل سیاست‌گذاری فرهنگ توسعه، از پاسخگویان سوال شد که "کدامیک از موارد زیر بیشتر می‌تواند به اصلاح عقاید، ارزش‌ها و رفتارهای فرهنگی مورد نیاز توسعه و پیشرفت کشور کمک کنند؟" ضمن اینکه ارتباط نزدیکی بین شاخص‌های مندرج وجود دارد و این بیانگر اهمیت و حساسیت همه متغیرها است، لکن بیشترین میزان به درج مباحث مرتبط در کتاب‌های درسی دانش‌آموزان و کمترین میزان متعلق به انعکاس در تابلوها و

نمادهای شهری است.

قضایوت پاسخگویان نسبت به ارزیابی تعاملات سیستم سیاستگذاری با سایر نظام های

فرهنگی - اجتماعی

برای تبیین دیدگاه مخاطبان در خصوص اهمیت هر یک از عوامل موثر در سیاستگذاری و تعامل آن با سایر نظام های فرهنگی، سوال اینگونه بود که؛ "به نظر شما برای تدوین سیاست های موثر برای بهبود فرهنگ مناسب، جهت رشد و پیشرفت کشور، باید به کدام عوامل زیر توجه بیشتری داشته باشیم؟" همانطور که از آمار برمی آید، متغیرها با فاصله اندکی از یکدیگر قرار دارند. به عبارت دیگر تمامی متغیرها دارای اهمیت می باشند. اما به لحاظ آماری اثر بخشی و کارکردهای سازمان ها و نهادهای فرهنگی - اجتماعی و تغییر نگرش و ارتقاء سطح علمی و مهارتی مدیران از اهمیت بیشتری برخوردار است.

قضایوت پاسخگویان نسبت به ارزیابی تاثیر تحولات جهانی بر سیستم سیاستگذاری

فرهنگی - اجتماعی

مخاطبان در پاسخ به این سوال که "رابطه تحولات جهانی یا متغیرهای فرهنگی تاثیر گذار در رشد و توسعه اقتصادی کشور را، از کدام مسیر بیشتر ارزیابی می کنید؟" نظرشان را مطابق نمودار زیر ارائه نموده اند. به بیانی دیگر، توجه به اثربخشی و کارکردهای سازمان ها و نهادهای فرهنگی و اجتماعی و تغییر نگرش و ارتقاء سطح علمی و مهارتی مدیران اجرایی موثر ترین عمل جهت تدوین سیاست گذاری موثر در بهبود فرهنگ مناسب پیشرفت و توسعه می باشد. به زعم خبرگان، تحولات جهانی و یا متغیرهای فرهنگی بیشترین تاثیر خود را بر عقاید، هنجارها، ارزش ها و رفتارهای فرهنگی - اجتماعی اکثریت جامعه دارند. در ادامه تغییر سبک مصرف و مناسبات اقتصادی، دومین عامل تاثیر پذیر از تحولات جهانی گزارش گردیده است. همانطور که آمارها نشان می دهد، شکل گیری این عوامل درحالی است که تحولات جهانی کمترین تاثیر را بر ساختار سیاسی و تصمیمات مدیران ارشد داشته است.

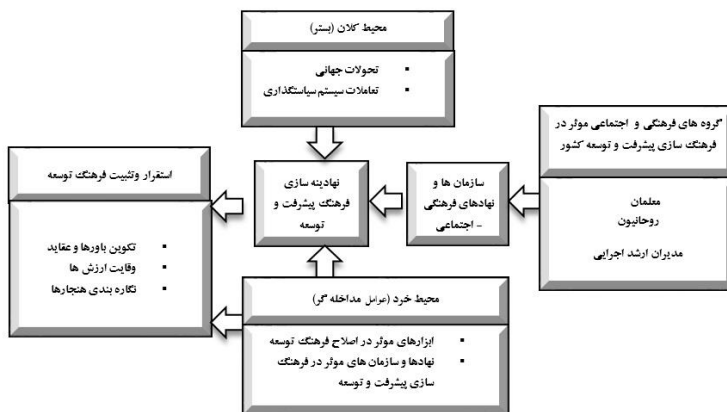
نتایج پژوهش (بحث و نتیجه گیری)

علیرغم پدیده های پیچیده عصر پرتلاطم حاضر که برای کشور ما مسائل و چالش هایی را به دنبال داشته است و لاجرم نظام تفکری و سیاستگذاری کشور را به اتخاذ یک نظام فرهنگی متناسب با تحولات جهانی فرا خوانده و سیاست کلان و مقتدرانه مانند اقتصاد مقاومتی را به ارمغان آورده

است. حال دستیابی به اهداف آن علاوه بر اینکه به طور مستقیم تحت تاثیر بازمینی در نظام سیاستگذاری و سیستم های مدیریتی است، به طور غیرمستقیم و به شدت، تحت تأثیر زیر ساخت هایی است که باید قبل از سیاستگذاری و برنامه ریزی به آنها توجه داشت. البته این زیرساخت ها لزوماً به حوزه اقتصاد باز نمی گردد، بلکه به لحاظ کلی حوزه فرهنگ است که بر تمامی سطوح مسلط بوده و از این حیث حائز اهمیت است، تا آنجا که در بهترین تعبیر از آن می توان عنوان فرهنگ پیشرفت و توسعه را مناسب آن دانست. لذا در این تقریر سعی شد با مطالعه اسناد علمی و پژوهش عملیاتی عوامل و گروه های موثر و شکل گیری فرهنگ پیشرفت و توسعه شناسایی و طبق یک مدل مدون تبیین گردد. در راستای تحقق اهداف نهایی تحقیق، مدلی با عناصر زیر استخراج گردید.

نمودار شماره ۲: مدل عوامل و گروه های فرهنگی - اجتماعی موثر در شکل گیری

فرهنگ پیشرفت و توسعه



شرایط علی: شامل گروه معلمان، روحانیون و مدیران ارشد اجرایی می باشد که از بین دیگر عوامل گزینش شده اند و به عنوان مهمترین گروه های تاثیر گذار در فرهنگ سازی پیشرفت و توسعه شناسایی شدند.

مقوله محوری: سازمان ها و نهادهای فرهنگی و اجتماعی پدیده اصلی تبیین کننده تحولات صورت گرفته در عوامل زیر ساختی فرهنگ پیشرفت و توسعه است. بر این اساس سازمان ها و نهاد های فعلی به دلیل فقدان مکانیزم اجرایی مناسب برای سیاست ها و خط مشی های فرهنگی

اتخاذ شده در برنامه های توسعه و سیاست های اقتصاد مقاومتی، نبودن شناخت کافی، از رابطه فرهنگ با تحولات جهانی، تصمیم گیری بر اساس دستیابی به نتایج سریع بدون توجه به تاثیر تدریجی، آرام و بلند مدت فرایندهای فرهنگی در پیشرفت و توسعه، عدم پیش بینی موضوع فرهنگ پیشرفت و توسعه در اهداف و محتوا سازی سازمان های فرهنگی و آموزشی و از این دست موارد مبین خلاء ها و کاستی ها در بحث سازمان ها و نهادهای فرهنگی و اجتماعی است.

راهبرد: یکی از راهبردهای مهم و اساسی جامعه پذیری فرهنگ توسعه در سازمان ها و نهادهای فرهنگی - اجتماعی، با مکانیزم نهادینه سازی آن است. در این راهبرد بر بومی سازی فرهنگ و مفاهیم توسعه، الگوبرداری از جوامع موفق و مشابه (درس آموزی) و مدیریت گرایي در ارتقاء فرهنگ توسعه تاکید شده است.

محیط کلان (بستر): از جمله عواملی که باعث می شود که برای برون رفت از چالش ها به راهبرد نهادینه سازی فرهنگ توسعه روی آوریم محیط کلان و پیش بینی تاثیرات آن بر راهبرد اتخاذ شده است که شامل تحولات جهانی و تعاملات سیستم سیاستگذاری می باشد.

محیط خرد (مداخله گر): در این مفهوم میزان تمایل و تاثیر ابعاد ابزارهای موثر در اصلاح فرهنگ توسعه و نهادها و سازمان های موثر در فرهنگ سازی مورد تحلیل قرار گرفته شده است و ارتباط معنا داری بین آنها مشاهده می شود.

پیامد: اتخاذ راهبرد نهادینه سازی فرهنگ توسعه، پیامد استقرار و تثبیت فرهنگ توسعه ملی و اقتصاد مقاومتی را در بر خواهد داشت. که شامل مقوله های تکوین باورها و عقاید، وقایت ارزش ها و نگاربندي هنجارها می باشد.

اما در تشریح مقوله های مطرح شده باید اذعان داشت، پس از مطالعه اسنادی و ادبیات پژوهش در گام نخست مسائل و چالش های زیرساختی فرهنگ توسعه در جامعه شناسایی گردیده است. با توجه به سوال اصلی این پژوهش که " موثرترین عوامل فرهنگی - اجتماعی در اصلاح فرهنگ توسعه در جامعه کدامند؟" و با عنایت به ادبیات مربوطه و نتایج استخراج شده اهم یافته های این پژوهش به شرح زیر اعلام می گردد. حاصل جمع بندی مخاطبان نسبت به گروه های اجتماعی موثر و پیشرو در فرهنگ سازی پیشرفت و توسعه کشور، که از بین تمام گروه ها دو گروه معلمان و روحانیون بالاترین امتیاز را به خود اختصاص داده اند. البته این به بدان معنی نیست که دیگر گروه ها از ارزش و یا تاثیر کمتری برخوردارند. لکن مقصد اصلی نگاه مخاطبان نگرش به نقش این گروه ها

در بستر سازی و نقش زیرساختی آنها بوده است. بنابراین دو گروه معلمان و روحانیون بیشترین تاثیر را در فرهنگ سازی پیشرفت و توسعه کشور بر مبنای اقتصاد مقاومتی به همراه داشته و خواهند داشت. لذا همانطور که گفته شد برای بروز و تقویت فرهنگ متعالی پیشرفت و توسعه به معنای تمایز اجتماعی از طریق فرایندهای مترقی تفکر نظام آموزشی از طریق معلمان و نهادهای مذهبی از طریق روحانیون از اهمیت ویژه ای برخوردار هستند. این مطالب با مفاهیم بند ۲۱ سیاست های کلان اقتصاد مقاومتی که بیان می دارد "تبیین ابعاد اقتصاد مقاومتی و گفتمان سازی آن بویژه در محیط های علمی، آموزشی و رسانه ای و تبدیل آن به گفتمان فراگیر و رایج ملی" متناسب بوده و مبین نقش معلمان و روحانیون در عرصه آموزش و ترویج فرهنگ پیشرفت و توسعه می باشد. از اهمیت و ضرورت نظام آموزشی همین بس که آموزش و پرورش می تواند خودباوری را در جامعه نهادینه کرده و با گسترش فرهنگ مصرف کالای داخلی نقش بسیار مهمی در مقاومتی کردن اقتصاد در برابر نامالیمتی های جهانی داشته باشد آموزش و پرورش تنها نهادی است که در تمام بخش های سرزمینی ایران حضور فعال دارد و با دارا بودن بیشترین زمان ممکن نسل های جامعه، این پتانسیل به آموزش و پرورش این امکان را می دهد که با همکاری سایر نهادهای مرتبط انسان هایی متعهد کارآمد با وجدان و اخلاق برای جامعه تربیت کند. چنین انسانی حتی با وجود کمبودها و نبود امکانات لازم از خلاقیت و هوش و استعداد خود بهره می گیرد و به اقتصاد جامعه کمک شایانی داشته باشد. آموزش و پرورش مهمترین و اصلی ترین نهاد فرهنگی کشور است این نهاد فرهنگی زمینه و بسترهای لازم را برای فرهنگ سازی کودکان و نوجوانان امروز و والدین آینده فراهم می کند. با نگاهی کلی به برنامه های اقتصاد مقاومتی متوجه می شویم که قالب سیاستهای حاکم بر اقتصاد مقاومتی فرهنگی است و بدون تحول فرهنگی و با نگاه صرفاً اقتصادی نباید نسبت به تحقق اهداف سیاست های مذکور امید داشت تاکید بر گفتمان سازی سبک زندگی و الگوی مصرف اسلامی روحیه مشارکت و کار جمعی خلاقیت و نوآوری کارآفرینی و مهارت از جمله مواردی هستند که در این سیاست ها سریعاً به آنها اشاره شده است که پرورش و نهادینه سازی آنها در محدوده وظایف آموزش و پرورش قرار می گیرد. از این رو نقش آموزش و پرورش در تحقق اهداف اقتصاد مقاومتی بسیار حیاتی است. بدون شک پس از پذیرفتن نگاه فرهنگی به اقتصاد مقاومتی به عنوان یک از پایه های تحقق این مهم در سطح مختلف جامعه آموزش و پرورش در جایگاه اصلی ترین محل شکل گیری و ترویج خطوط فرهنگی کشور مورد توجه خواهد بود.

پس از شناسایی مهمترین گروه های اثر گذار بر فرهنگ پیشرفت و توسعه رجوع به محل قرارگیری آنها و بستر فعالیت های فرهنگی مربوطه است. در همین راستا مطابق اطلاعات کسب شده، سه نهاد مهم آموزش و پرورش، خانواده و مساجد و اماکن مذهبی بعنوان مهمترین منابع بسترساز فرهنگ پیشرفت و توسعه و پیشرفت در کشور را بعهده دارند. به بیان دیگر نهادهای یادشده محور شکل گیری فرهنگ توسعه و پیشرفت در جامعه هستند. مطابق بند ۲۲ سیاست های اقتصاد مقاومتی که بیان می دارد؛ دولت مکلف است برای تحقق سیاست های کلی اقتصاد مقاومتی با هماهنگ سازی و بسیج پویای همه امکانات کشور، اقدامات به شناسایی و بکارگیری ظرفیت های علمی، فنی و اقتصادی برای دسترسی به توان آفندی و اقدامات مناسب نماید، تاکید بر اهمیت این موضوع است. بر همین اساس گروه های اثر گذار بر فرهنگ پیشرفت و توسعه را می توان در زمره ظرفیت ها بر شمرده و مورد بهره برداری قرار گیرد. در ارزیابی بعمل آمده از ابزارهای موثر در اصلاح فرهنگ توسعه، تدوین کتب آموزشی دانش آموزان بر مبنای فرهنگ سازی پیشرفت و توسعه کشور بعنوان اولین شاخص و به ترتیب تزریق فرهنگ پیشرفت و توسعه در خمیر مایه برنامه های صدا و سیما و وعظ و خطابه روحانیون (یکپارچه سازی مفاهیم الگ.های بومی پیشرفت و توسعه) بعنوان مراتب بعدی از ابزارهای فرهنگی تبیین گردید. در همین راستا تدوین قوانین بر اساس شاخص های فرهنگ لازم برای توسعه در جذب و ارتقاء مسئولیت های اجرایی بعنوان شاخص مهم ابزارهای سازمانی تبیین گردید. ابزارهای موثر در اصلاح فرهنگ بر مبنای فرهنگ سازی پیشرفت و توسعه کشور، تزریق فرهنگ یاد شده در نظام رسانه های جمعی با رویکرد یکپارچه سازی مفاهیم پیشرفت و توسعه که همگی بعنوان ابزارهای فرهنگی بر شمرده می شوند از اهم عوامل محیط خرد و ابزارهای موثر در اصلاح فرهنگ پیشرفت و توسعه در کشور است. در حوزه محیط کلان ارزیابی تعاملات سیستم سیاستگذاری با سایر نظام های فرهنگی-اجتماعی نشان داد که اثربخشی و کارکرد سازمان ها و نهادهای فرهنگی - اجتماعی و همچنین تغییر نگرش و ارتقاء سطح علمی و مهارتی مدیران بیش از هر متغیر و عواملی می تواند در روابط بین سازمان ها و نهادهای جامعه مثرتر باشد. از طرف دیگر به استناد یافته های تحقیق ارزیابی تأثیر تحولات جهانی بر سیاست گذاری فرهنگی اجتماعی نیز نشان داد تحولات جهانی با تأثیر بر عقاید هنجارها ارزش ها و رفتارهای فرهنگی اجتماعی اکثریت جامعه در کنار تغییر در سبک مصرف و مناسبات اقتصادی بیشترین تأثیر را بر سیستم سیاست گذاری فرهنگی اجتماعی القا می نماید. این در حالی است که تحولات جهانی

کمترین تاثیر را بر ساختار سیاسی و تصمیمات مدیران ارشد نهاد است. در حقیقت دستیابی به هرگونه پیشرفت و توسعه ای تنها به برنامه ریزی اقتصادی و فرهنگی نیاز ندارد، بلکه عزم ملی و مشارکت همگانی نیز بعنوان ستون اصلی این امر می بایست در نظر گرفته شود، که این مستلزم درک صحیح افشار جامعه از پیشرفت و توسعه در فرایند برنامه ریزی شده است. بنابراین نهادینه شدن فرهنگ پیشرفت و توسعه کشور، در گرو رفع موانع و چالش های تاثیرات مطرح شده می باشد و می بایست تلاش همه جانبه در راستای فهم درک ظرفیت های فرهنگی و نقش نظام آموزشی و مجامع مذهبی و عوامل موثر آنها یعنی معلمان و روحانیون و جایگاه متعالی آن در توسعه صورت گرفته و در ایجاد فضای مطلوب توسعه ای فرهنگی - اجتماعی و اقتصادی همت جدی و اساسی نمود. آنچه در یک جمع بندی از داده های بدست آمده بر می آید معناداری و همپوشانی معانی دریافت شده است که با بند ۲۰ سیاست های کلان اقتصاد مقاومتی که در آن به "تقویت فرهنگ جهادی در ایجاد ارزش افزوده، تولید ثروت، بهره‌وری، کارآفرینی، سرمایه گذاری و اشتغال مولد و اعطای نشان اقتصاد مقاومتی به اشخاص دارای خدمات برجسته در این زمینه" اشاره شده است تطابق دارد.

در نهایت مطابق ادبیات مستخرج از تحقیق بر اساس موضوع، سه نحله تبیینی برای فلسفه وجودی تاثیر گروه های فرهنگی و اجتماعی بر شکل گیری فرهنگ پیشرفت و توسعه را متصور می داند. نحله نخست گروه های فرهنگی و اجتماعی موثر در فرهنگ سازی پیشرفت و توسعه کشور را بر اساس عوامل درونی تبیین می کند. نحله دوم مدعی است شاخص مورد نظر را می توان بر اساس عوامل بین المللی و جهانی و تعاملات سیستم سیاستگذاری (محیط کلان) تبیین کرد. نحله سوم نیز بر عوامل محیط خرد (مداخله گر) (شامل ابزارها و نهادهای فرهنگی و اجتماعی) تاکید دارد. مخاطبان مناسب ترین راهبرد اجرایی جهت مقابله با چالش های پیش رو را نهادینه سازی فرهنگ پیشرفت و توسعه تشخیص دادند. پیامد توسل به این راهبرد منجر به استقرار و تثبیت فرهنگ توسعه در کشور می شود. آنچه بر اثر این فرآیند در کشور رخ خواهد داد در قالب سه شکل نمایان می شود. یکی تکوین باورها و عقاید به معنی آفرینش و خلق باورها و عقاید، دیگری به غایت ارزش ها، به معنی نگهداشتن و محافظت نمودن ارزش ها و در نهایت نگار بندی هنجارها به مفهوم شکل دهی و الگو مندی هنجارها.

پیشنهادات:

- ۱) زمینه سازی و پیش بینی تمهیداتی برای افزایش شناخت بیشتر معلمان و روحانیون از نقش مهم و ضروری خود در فرهنگ سازی تحولات توسعه ای در سیاستگزاری ها و برنامه ریزی ها در نظر گرفته شود.
- ۲) دو پایگاه نظری کشور (حوزه و دانشگاه) به طور ویژه به مرزهای مشترک خود توجه ویژه تری داشته و از تمامی ظرفیت های خود برای فرهنگ سازی پیشرفت و توسعه جامعه استفاده کنند
- ۳) سازمان های فرهنگی زیرساختی (مدرسه در نظام آموزشی، اماکن مذهبی در نظام اعتقادی و دیگر سازمان های فرهنگی مرتبط) ضمن ارتقاء کارایی خود اصلاحات فرهنگی مورد نیاز جامعه را جزء اهداف خود قرار دهند.
- ۴) بازنگری و درج مفاهیم و الگوهای ذهنی و عملی پیشرفت و توسعه کشور در کتب درسی و در تمامی مقاطع تحصیلی صورت پذیرد.
- ۵) نقش فرهنگ در تحولات پیشرفت و توسعه کشور بعنوان سرلوحه ای کارآمد به مسئولین و سیاستگذاران جامعه تفهیم شده و بعنوان شاخصی برای احراز مسئولیت شان در نظر گرفته شود.
- ۶) یکی از سازمان های نظارتی و ارزشیابی با تفویض قدرت اجرایی، مسئولیت پایش دستیابی به اهداف توسعه ای را بعهده گرفته و بر اساس اصول سیاست های اقتصاد مقاومتی پایش مستمر داشته باشد.

کتابنامه

- احمدی مقدم، حسین و همکاران. (۱۳۹۵). "نظام تعلیم و تربیت (رسمی و غیر رسمی) و اقتصاد مقاومتی." *مجموعه مقالات فرهنگ و پژوهش*. شماره ۲.
- بارانی، شهرزاد و همکاران. (۱۳۸۸). "بررسی دلایل گرایش به کارآفرینی دانشجویان علمی کاربردی کشاورزی." *فصلنامه توسعه کارآفرینی*. سال دوم، شماره ۶.
- بنیانیان، حسن. (۱۳۸۶). *فرهنگ توسعه در ایران*. تهران: امیرکبیر.
- بهرامی ثابت، حسین و همکاران. (۱۳۹۳). *بررسی تأثیر فرهنگ توسعه بر مشارکت اجتماعی شهروندان (مورد مطالعه: شهروندان مناطق ۱۰ و ۲۰ شهر تهران)*. پایان نامه کارشناسی ارشد دانشگاه آزاد اسلامی گرمسار.
- بیتس، دانیل؛ پلاک، فرد. (۱۳۸۷). *انسان شناسی فرهنگی*. انتشارات علمی.
- پولاک، یاکوب. (۱۳۳۸). *سفرنامه پولاک (ایران و ایرانیان)*. (کیکائوس جهاننداری). تهران: انتشارات خوارزمی.
- پهلوان. (۱۳۷۸). *فرهنگ سیاسی*. نشر قطره.
- توسلی، غلامعباس. (۱۳۸۶). *نظریه های جامعه شناسی*. تهران انتشارات سمت.
- حسین زاده بحرینی، محمد حسین. (۱۳۹۲). "اقتصاد مقاومتی راهکاری برای توسعه." *مشکوه*. شماره ۱۱۸.
- دفت، ریچارد ال. (۱۳۸۵). *مبانی تئوری و طراحی سازمان*. (علی پارسائیان و محمد اعرابی). دفتر پژوهش های فرهنگی.
- ریتزر، جرج؛ گودس داگلاس، جی. (۱۳۹۰). *نظریه جامعه شناسی مدرن*. (خلیل میرزایی و عباس لطفی زاده). چاپ اول. تهران: انتشارات جامعه شناسان.
- زاهدی، عبدالرضا و همکاران. (۱۳۸۹). "روش قرآن کریم در نهادهای سازی عفاف و حجاب." *مجله مطالعات راهبردی زنان*. سال سیزدهم، شماره ۴۹.
- ساخاروف پلولوس، جرج. (۱۳۷۳). *آموزش برای توسعه*. (پریدخت وحیدی و حمید سهرابی). نشر سازمان برنامه و بودجه. چاپ دوم.
- سوئد برگ، ریچارد؛ گرانوتر، مارک. (۱۳۹۵). *جامعه شناسی اقتصادی، ساخت اجتماعی و کنش اقتصادی*. (علی اصغر سعیدی). تهران: انتشارات نیا.

- شفرز، برنهارد. *مبانی جامعه شناسی جوانان*. (کرامت اله راسخ، ۱۳۸۳). تهران: نشر نی.
- طهماسبی بلداجی، اصغر؛ طهماسبی بلداجی، آذر. (۱۳۹۲). "جهاد اقتصادی و اقتصاد مقاومتی از منظر قرآن و اهل بیت." *فصل نامه آفاق امنیت*. سال پنجم، شماره ۱۶.
- کشاورز، زهره و همکاران. (۱۳۸۹). "عوامل تاثیر گذار بر رفتار تغذیه ایی زنان کارگر بر پایه مدل تلفیقی تئوری رفتار برنامه ریزی شده و خود کارآمدی یک رویکرد کیفی." *مجله پژوهش حکیم*. دوره ۱۳، شماره ۳.
- کلاینببرگ، اریک. (بی تا). *کاخ هایی برای مردم*. (حسین جاجرمی). تهران: انتشارات شیرازه کتاب ما.
- کوثری، مسعود. (۱۳۹۷). *آسیب شناسی فرهنگی ایران در دوره قاجار*. تهران: مرکز بازشناسی اسلام و ایران.
- کوئن بروس. (۱۳۸۵). *درآمدی به جامعه شناسی*. (محسن ثلاثی). نشر توتیا.
- گلابی، سیاوش. (۱۳۷۶). *اصول و مبانی جامعه شناسی*. تهران: میترا.
- گیدنز، آنتونی. (۱۳۸۶). *جامعه شناسی*. (منوچهر صبوری). نشر نی.
- مایلی، فائزه. شوهانی، احمد. (۱۳۹۷). "نقش ابزارهای فرهنگی در گسترش سیاست های بین المللی قدرت های بزرگ از ۱۱ سپتامبر تا کنون." *مجله بین المللی پژوهش ملل*. دوره سوم، شماره ۳۴.
- محسنی، منوچهر. (۱۳۹۶). *بررسی جامعه شناسی فرهنگی ایران*. تهران: انتشارات علمی فرهنگی.
- منادی، مرتضی. (۱۳۸۶). *درآمدی جامعه شناختی بر جامعه پذیری*. تهران: نشر جیحون.
- میر معزی، سید حسین. (۱۳۹۱). "اقتصاد مقاومتی و ملزومات آن با تاکید بر دیدگاه مقام معظم رهبری." *اقتصاد اسلامی*. شماره ۴۷.
- نصر آبادی، محمد. (۱۳۹۵). "واکاوی جامعه شناختی مفهوم اقتصاد مقاومتی." *مجموعه مقالات فرهنگ و پژوهش*. جلد شماره ۲.
- نورث، داگلاس. (۱۳۷۷). *نهادهای، تغییرات نهادی و عملکرد اقتصادی*. (محمد رضا معینی). انتشارات سازمان برنامه.

- Ajzen, I., & Fishbein, M. (2005). "the influence of attitudes on behavior." in *the handbook of attitudes*. Mahwah, Nj: Elbaum, 173-221.
- Ajzen, I. (2005). *Attitudes personality and behavior*. second edition. Poland open university press.

- Albrow, martin. (2012). "the impact of globalization on sociological concepts community, culture and miliell innovation." *The European journal of social science research*, vol.1,ko.4.
- Armitage.C.j & corner,M. (2001). "Efficacy of the theory of planned behavior: A meta- analytie review." *british journal of social psychology*. 471-499
- Boudon,R. et al.(1999).*dectionnaire de sociologie*.paris:larouss.
- Creswell jw. (2002). *Educational Research*. Planning conducting and evaluating.
- Edgar,A. et al. (2003). *Cultural theory, the key concepts*. London: Routledge.
- Gill,D et al.(2002). *ABC of communication studies*. London:nelson.
- Glaser.B;strauss,A.(1967). *The discovery of grounded theory*. Chicago: Aldine.
- Johnston,D.C. (2005). *richest art leaving Even the rich behind*. new York times. 17.
- Marshall,Alfred. (1890&1920). *Principles of political Economy*. V1, London: macmillan.
- Mill, john stuart. (1844). *On the definition of political Economy, and on the method of investigation proper to it*. Essays on some unsettled.
- Mukhi,H.R.(1995).*social structure, chang and inrestingation*. Delhi:SBD.
- O,brien. Et al.(1980). *Readings in general socialogie*. Paris: payot.
- Onwe, Sunday and Nwogbaga, David. (2014). *International journal of humanities and social science* .vol 4.No.8.
- Singler,E. (2000). *advanced dictionary of sociology*. new delhi: dominate.